

دستور الملوك ميرزا رفيعا



بکوشش آقای محمد تقی دانش پژوه

دبیر دانشگاه تهران

-۲-

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد و ستایش بیرون از حیطة حصر و قیاس مر مالک الملکی را روا و سزااست که سر رشته انتظام مهام مالک محروسه هستی به سلطنت قدرت کامله اش منوط و محکم ، و شهر بند قلعه امکان از چهار حصار عناصر اربعه بنی نوع انسان به صولت و سطوت شامله اش مربوط و مستحکم است .

و درود و تحیات نامعدود و سلام و صلوات نامحدود نثار بارگاه جناب اشرف انبیاء و سرخیل جمله اصفیاء و برگزیده اولیاء و پیشوای اتقیاء بهترین خلق خدا حبیب حضرت رب العالمین خاتم انبیاء و مرساین اسوه و قدوه ثقلین امیر و سرور خافقین سالار جنود برتری سپهسالار جیوش نیک اخترى مکین مسند پیغمبری صدر نشین محفل سروری مهر سپهر رسالت چراغ شبستان هدایت مهین گوهر درج نبوت بهین اختر برج فتوت لوح طراز علوم « علم بالقلم » سواد خوان سر نوشت عرب و عجم وارث علوم انبیا رافع لوای سخا شافع روز جزا

محمد که فخر بنی آدم است نبوت در انگشت او خاتم است

گرامی ترین همه انبیا حبیب و خداوند ما صلوات الله و سلامه علیه . و پس از آن صلوات بلانهایات و تحیات زاکیات بر آل اطهار و اصحاب اخیار مادام اللیل والنهار که خلفاء راشدین و قوایم اربعه بنیان وارکان مشیته ایوان یقین و بروج اربعه حصن نبوت و مشرقین و

مغربین عالم رسالت و پیشوایان راه هدی و محرمان اسرار خاتم انبیاءند باد .
 اما بعد ، چون پیوسته منظور نظر والا مقصود ضمیر منیر خورشید ضیاء
 اعلی حضرت گردون بسطت ثریا منزلت فلک رفعت مهر اصائت خدیوزمان خسرو دوران
 فرمان فرمای ممالک ایران جوهر شمشیر تهوّر و شجاعت گوهر بحر همت و سخاوت پوینده
 طریق عدالت گستری جوینده سبیل رعیت پروری راقی مراقی آسمان اقبال عارج معارج
 جاه و جلال ماحی مراسم جو رو اعتساف بانی مبانی مروّت و انصاف شهباز بلند پرواز
 اوج سعادت شهسوار مضمار عرضه جلادت زیننده سریر شهریاری برازنده سند کامکاری
 اشرف سلاطین با تمکین اعدل خواقین روی زمین

شاهی که به تصرف الهی بنشست به تخت پادشاهی

از سایه لطف حق نشانی آسوده به سایه اش جهانی

اعنی السلطان الاعظم والحقان الاکرم السلطان شاه سلطان حسین خلد الله ملکه
 واحسانه الی یوم القیام مصروف و معطوف بر آنست که مراعات قوانین و ضوابط پادشاهان
 نصفت آیین سلطنت فرموده تزلزل در بنیان مشید الارکان آنها راه نیافته احدی جرأت
 تخلف و تجاوز ازان ننماید .

و چون در زمان سلاطین اعظم و پادشاهان متقدم هر کس از امراء عظام گرام درگاه
 معلی و علما و سادات و شرفا و حکام و وزرای صافی رای و کلانتران و عمال صدق انما
 و نگارندگان ارقام قضا مضا و منشیان عطار دنشان دار الانشاء و محرران دفتر خانه همایون اعلی
 و سایر ملازمان و منشیان درگاه سپهر اعتلا به خدمتی و شغلی ممتاز و سرافراز بود و جمعی از
 ایشان علی تفاوت درجاتهم در مجلس بهشت آیین جاو مقام داشتند ، بر مرآت ضمیر اقدس چنان
 پرتو افکن گردید که کمترین بندگان حضرت باری محمد رفیع انصاری مستوفی الممالک
 رساله ای در باب قواعد و ضوابط ایشان ترتیب داده به عرض باریافتگان محفل خلد مشاکل
 اقدس رساند و به مصدوقه « کلام الملوك ملوک الکلام » امر اقدس شرف نفاذ یافت . لهذا امثالاً
 لامره الاعلی به ترتیب و ترقیم این رساله که موسوم به دستور الملوك است اقدام نمود . مرجو

آنکه در نظر کیمیا اثر به درجه قبول رسیده جلوه استحسان یابد و این رساله محتویست برپانزده باب و خاتمه .

باب اول در ذکر و بیان شغل ملاباشی و متولیان جلیل القدر آستانهای متبرکه که مقدسه و غیره [و] علما و اهالی شرع شریف دارالسلطنه اصفهان . و این باب محتوی برده فصل است .

فصل اول در بیان شغل ملاباشی . مشارالیه رأس و رئیس و افضل و اعلم عموم علما و جمهور فضیله عصر بود که پادشاه تحقیق مسایل دینی و دقایق علمی از وی نمود و مخاطب به خطاب ملاباشی می گردید و در محافل و مجالس فوق جمیع علما و قریب به مسند پادشاه می نشست و در اسفار همه جا در رکاب ظفر انتساب بایست حاضر باشد . و درازمنه سابقه سلاطین صفویه ملاباشیگری منصب معینی نبود لیکن در اواخر زمان شاه سلطان حسین به میر محمد باقر نام فاضل مفوض و به مرتبه و لقب ملاباشیگری سرافراز و به تقریب مصاحبت مدرسه واقعه در چهارباغ را بنا گذاشته حسب الامر مدرس مذکور گردید . و موافق دستور و قاعده علمای سابقه سوای استدعای وظیفه به جهة طلبه علوم و ارباب استحقاق و رفع جبر و تعدی از مظلومین و شفاعت مقصرین و محبوسین و تحقیق مسائل شرعیه و تفهیم و تعلیم ادعیه ماثوره و امر به معروف و نهی از منکر و دادوستد و جوهرات حلال بهیچ وجه به شغل دیگر نمی پرداخت و مختص او بود و وجود بر و تصدقات نزد او می فرستادند که به ارباب استحقاق رساند و مبلغ دو بیست تومان تبریزی وظیفه در وجه او مقرر بود . و بعد از فوت مشارالیه ملاباشیگری بهان وظیفه به ملا محمد حسین نام مفوض و مرجوع شد که به غیر از تدریس مدرسه مزبور به امور دیگر که ملاباشیان را مدخلیتی بود قیام نماید .

فصل دوم در شغل صدارت خاصه و عامه منظور از تفویض این دو منصب عظمی رتق و فتق کل موقوفات محال متعلقه به هریک از نصب و تعیین حکام شرع و مباشرین موقوفات و تفویض و ریش سفیدی جمیع سادات و علما و مدرّسان و قاضیان و شیخ الاسلامان و نایب الصدارة و متولیان جزو و ناظران موقوفات و پیش نمازان و خطباء و مؤذنان و حفاظ

و معرفانست و غسالان و حفاران نیز بخصوصها از قرار تصدیق و تجویز غسالباشی و عزل ایشان و دادن وظیفه از موقوفات بعد از عرض به موجب امثله و اخطبه ایشان بوده .
و دیوان احداث اربعه عبارت از قتل و ازاله بکارت و شکستن دندان و کور کردن چشم است .

مقدمه قتل حسب التعلیقه صادر دیوان بیگی به عهده غسال باشی می شد که ملاحظه نعش مزبور نماید بعد از ملاحظه و تشخیص غسال باشی که او را به چه علت و به چه نحو به قتل رسانیده اند از خوردن تریاک و سموم و خبه کردن یا به نحو دیگر که او را مقتول نموده باشند . آنچه بر غسال باشی ظاهر می شد حقیقت آن را عرض می نمود .

و مقدمه ازاله بکارت و شکستن دندان و کور کردن را عالی جاه دیوان بیگی را خود بدون حضور صادر عظام می رسید و حکام دیگر شرع را مدخلیت در احداث اربعه نیست .
و در باب سیور غالات بعد از تصدیق و تجویز ایشان که عرض و به رقم عالی جاه وزیر دیوان اعلی می رسید پروانجات و ارقام از دفاتر می گذشت . و خدمت شیخ الاسلامی و قضای اصفهان و وزارت و استینای سرکار فیض آثار بهر که پادشاه مناسب ولایت می دانست رجوع می فرمود و تجویز صادر در تعیین آنها ضرور نبود و سایر مباشرین سرکار فیض آثار و موقوفات خاصه و ممالک بعضی حسب الامر الاعلی و بعضی به تجویز و تصدیق صادر تفویض و بعضی صادر خود تعیین می نمودند . و امور شرعیه سرکار فیض آثار متعلق به صادر خاصه است و صادر ممالک را دخلی نیست . و صادر خاصه در روز شنبه و یکشنبه و صادر ممالک در روز چهارشنبه و پنجشنبه با عالی جاه دیوان بیگی در کشیکخانه عالی قاپو می نشست دعاوی شرعیه را بهر نحو که ایشان حکم می کرده اند دیوان بیگی بر طبق حکم ایشان اجرا می نمود و مشارالیهها به تشخیص دعاوی مردم در مهر نمودن قباجات و اسناد شرعیه ایشان اشتغال می نمودند و عشر ده نیم سیور غولات و بعضی از حق التولیه و حق النظارة که موافق شرط واقف با ایشان بوده می گرفته اند . و سایر محالی که با صادر خاصه نبوده نسبت به صادر ممالک داشته . و به نظر نمی رسد که سوای میرزا ابوطالب صادر خاصه در وجه احدی

به صیغهٔ مدد معاش چیزی مقرر شده باشد و مشارالیه هزار و سیصد و شصت تومان مدد معاش داشته .

و آوردن طالب علمان به مجلس و عرض مطالب ایشان و اطعام ماه مبارک رمضان مختص صدر بوده و در بعضی از زمانها قضای عسکر نیز باصدر خاصه بوده . و موقوفات اصفهان و یزد و ابرقوه و کاشان و قم و ساوه و مازندران و استرآباد و کرایلی و حاجیلر و کبودجامه و نطنز و اردستان و نایین و قمشه و کمره و محلات و فراهان و گلپایگان و دلیجان و خوانسار و جاپلق و برورود و فریدن و رارو مزدج و کیارا باصدر خاصه بوده و تعیین حکام شرع و مباشرین اوقاف آن ولایت را مشارالیه می نموده و سایر ممالک محروسه به صدر ممالک تعلق داشت .

و در بعضی از ازمهٔ سلاطین صدارت خاصه و عامه بایک شخص بوده . و عزل و نصب مباشرین موقوفات اگر تفویضی بوده باشد به صدر خاصه و عامه متعلق است . و اگر شرعی باشد هیچ یک از حکام شرع و صدور را مدخلیتی در آن نیست بلکه شرعاً هر کس را واقف متولی و صاحب اختیار قرار داده باشد مباشر آن خواهد بود و تغییر آن مخالف شریعت مقدسه نبویست .

فصل سیّم در بیان شغل عالی جاه متولی جلیل القدر روضهٔ رضیه رضویه علی مشرفها الف سلام و تحیة ، نظم و نسق سرکار فیض آثار از کتابخانه و شربت خانه و دارالشفاء و مطبخ و عطّارخانه و فراشخانه و حویج خانه و شمّاعی خانه و خبّازخانه و ایباغخانه و قصابخانه و هیمه خانه و راتبه و شیلان و روشنائی و رخوت و خلاع که برجماعت مقررّه تقسیم شود و تجویز سرکشیکان و خادم باشیان و خدمه و حفاظ کلام الله و اطباء و منجم و خزانه دار و صاحب نسق و فراشان و بهخورسوزان و مؤذّنان و دربانان و ایباغچیان و علمداران و باغبانان و عملهٔ نقاره خانه و بیلدارباشی و همگی عملهٔ کارخانجات و بیوتات و عزل و نصب و بازخواست و تنبیه هر یک از اینها و تکثیر و توفیر زراعات و عمارات و

باغات و حواله و اطلاق و تنخواه دادن از کارخانجات مزبوره و مواجب و مقرری ناظر و مستوفی و سرکشیکان و خادم‌باشیان و همگی منشیان آن آستان ملایک پاسبان باعالی‌بجاه متولی آستانه مقدسه است .

و در سنوائی که جمیع املاک و مستقالات سرکار فیض آثار در تصرف و آباد و معذور بود مداخل سرکار فیض آثار از محال و قفی و بعضی از غیر و قفی مشهد مقدس معلی و محال که در ممالک محروسه بود از ولایت شیروان و هرات و اصفهان و قزوین و ساوج بلاغ و طهران و سمنان و نیشابور و سبزوار و جوین و استرآباد و خبوشان و دامغان و کرمان و ایلات که مالوجهات آنها به سیورغال مقرر بود سوای نذورات که از ولایات و محال بعیده از ایران و هندوستان می‌آید تخمیناً چهارده هزار خرور جنس و سه هزار تومان نقد می‌نمود و مداخل متولیان آن سرکار عشر مداخل می‌باشد ، سوای رسومات و دیوان سادات و فضلا و طالب علمان و اشراف و اعیان خراسان | که | بامتولیان می‌باشد .

و حسب الارقام مقرر بود که حکام و عمال اطراف ممالک محروسه در امداد و اعانت جمعی که متولیان به جهت تنسیق و تنظیم املاک و ایلات که به سیورغال مقرر بود تعیین نماید کوتاهی ننماید و هر ساله مبلغ سیصد تومان نقد و مقدار سیصد من موم زرد و کافوری و مقداری فقیله عنبر و کشته بر مکی به جهت نذورات آن آستان از سرکار سلاطین معدلت آیین به عنوان هدیه و یک دست خلاع فاخره به جهت متولی مزبور یا نایب او می‌فرستادند که قدری از وجوه مرسوله را به مستحقین او می‌فرستادند . زوار آن آستانه مقدسه شمع ریخته هر شب صرف روشنائی و فقیله عنبر و غیره عطریات را صرف بخور آن آستانه نمایند .

و آن روزیکه این وجوه و خلعت مصحوب یکی از معتمدان پادشاهی و اصل آن سرکار می‌شد نقاره‌خانه آستانه مقدسه را به نوازش در می‌آوردند و متولیان و حکام و جمیع اعزه و اعیان استقبال نموده علمها و شد ها و مصاحف به خط امامان را بار حلهای بردند بیرون مشهد مقدس معلی و شیلان در مهانخانه آن سرکار صرف می‌شد .

و در ایام اعیاد نیز به این دستور بود که چهار صد من برنج بامصالح به تکالیفات هر چه تمام تر در مطبخ آن سرکار طبخ می شد. و در روزهای دیگر سوای اعیاد هر روز یکصد و هشت من برنج و هفتاد و پنج من گوشت و هزار و دویست عدد نان سوای آش و حلیم فقرا در شیلان آن سرکار صرف می شد.

و مقرر اینست که مداخل آن سرکار بعد از وضع رسومات و عشر متولیان و تنخواه تحویلداران که از اول سال داده می شد و مواجب خدمه و عماله آنچه باقی بود به وظیفه جمعی ارباب و وظایف که حسب الارقام به تصدیق متولیان مقرر بود به خدمه و عماله پنج کشیک و غیره توزیع و برات از دفتر سرکار گذشته به مهر عالی جاه متولی و ناظر و مستوفی به انبارداران سرکار حواله که باز به وظایف می رسانیدند.

و هر ساله سه عدد منديل و کلاه در میان تخته بسته مصحوب شخصی که نذورات سرکار مزبور را آورده بود از سرکار پادشاه می فرستادند که در ضریح مقدس متبرک شده باز سر به مهر به اردو می فرستادند.

و جای متولیان به جهت تعظیم و توفیر که بعد از احدی نبوده باشد در مسجد چهل ستون و مجالس دیگر عالی حده در پای ستون نزدیک به شاه نشین مقرر بود.

فصل چهارم در ذکر شغل متولی آستانه مقدسه حضرت معصومه واقعه در قم.

نظم و نسق سرکار مزبور از انتظام کار خانجات و تغییر و تبدیل و تنبیه عماله و حفاظ و ارباب و وظایف و منسوبان آستانه و مباشرین محال و مستغلات و موقوفات آنجا و سایر امور جزئی و کاتبی آن آستانه به تصدیق و تجویز و اختیار و صواب دید متولی آن آستانه می باشد و در بعضی آستانه ها عشر موقوفات و در بعضی ده نیم در وجه متولیان مقرر است و معلوم نیست که مواجب متولیان مزبور چه مبلغ است.

فصل پنجم در ذکر شغل متولی آستانه متبرکه حضرت عبدالعظیم واقعه در طهران

شغل او نیز بشرحی است که در تحت اسم متولی مزارات سلاطین آستانه حضرت معصومه نوشته شده و مواجب او به نظر نرسیده که چه مبلغ است.

فصل ششم در ذکر شغل متولی مزارات سلاطین صفویه واقعه در قم . شغل مشارالیه رسیدن به خدمات امور سرکارات مزبوره از نسق شیطان و وصول مقرری سرکارات و تنقیح و تشخیص محاسبات تحویل داران و نسق عمله و حفاظ و سایر امور متعلقه به مزارات مزبوره بود . و سابقاً متولی هر سرکار از مزارات مذکوره که عبارت از سه سرکار است علی حده و در وجه هر یک مبلغ یکصد تومان مقرری مقرر . و ثانی الحال تولیت هر سه سرکار یکی قرار یافته یکصد تومان در وجه او مستمر و برقرار مانده دویست تومان به جهت دیوان ضبط شده .

فصل هفتم در شغل متولیان آستانجات اردبیل . شغل ایشان نیز بشرحی است که در فوق در تحت متولی مزارات صفویه واقعه در قم قلمی شده . و دو نفر یکی قدیمی و یکی جدیدی . و رتق و فتق همگی سرکار مزبور بامتولی جدیدی ، و در امور متعلقه به موقوفات قدیمی نیز دخیل بود ، و مقرری متولیان مزبور حسب الواقع در ذکر نبود بنهایت این قدر در خاطر هست که رسومات معمولی او متجاوز از هفتصد تومان می شد .

فصل هشتم در بیان شغل شیخ الاسلامی دارالسلطنه اصفهان . طریقه آن بود که روزها بغیر از جمعه از خانه خود به مرافعه دعاوی عبادالله قیام و امر به معروف و نهی از منکر می نمود . و طلاق شرعی در حضور او داده می شد . و ضبط مال ایتام و غایب اغلب اوقات با شیخ الاسلام بود . و بعضی اوقات دانسته به قضات مرجوع می شد . و اسناد و قباجات مردم نیز به مهر او می رسید و هر ساله دویست تومان تبریزی وظیفه از خزانه عامره در وجه او مقرر بود .

فصل نهم در بیان شغل قاضی دارالسلطنه اصفهان . دستور آن بود که روزها به غیر از جمعه در خانه خود به مرافعه دعاوی شرعی مردم اشتغال داشت . و اسناد و قباجات را مهر می نمود . و حکم شرعی آن را که می نوشت حکام عرف اجرا می کردند . و ضبط اموال ایتام و غایب گاهی با قاضی و گاهی با شیخ الاسلام . و مبلغ دویست تومان تبریزی وظیفه از خزانه عامره در وجه قاضی مقرر بوده که سال بسال باز یافت می نمود .

فصل دهم شغل قاضی عسکر . درازمنه سابقه اموری را که در هر ولایت قضات اسلام قطع و فصل می نمودند در اسفار سانحه متعلق به قاضی عسکر بود . و در کشیکخانه دیوان بیگیان به حکم شرعی عساکر منصوره می رسیده . و بعد از آن که صدور در اصفهان تعیین و مقرر شد که دیوان بیگی در حضور صدر به مرافعه شرعیته عبادالله رسد ، آمدن قاضی عسکر به کشیکخانه دیوان بیگی متروک . و شغل او در اواخر منحصر به آن شد که عساکر نصرت مآثر سواد احکام ارقام و تنخواه و همه ساله ایشان به مهر او می رسید و بدون مهر او بیگلر بیگیان و حکام ولایات اعتبار نمی نمودند و تنخواه نمی دادند . و رسمی در وجه او مقرر نبود و معمول کرده بود که از تومانی ده دینار از عساکر می گرفت .

باب دوم در بیان منصب هر یک از امراء عظام که لقب عالی جاه مخصوص ایشانست و آن بر یک مقدمه و پانزده فصل است .

مقدمه در بیان تفصیل امراء . باید دانست که امراء ایران مطلقا بر دو نوع می باشند :
اول امراء غیر درگاه معلی که ایشان را امراء سرحد می نامند . و این نوع بر چهار قسم است :

اول والیان .

دوم بیگلر بیگیان .

سیم خوانین .

چهارم سلاطین .

اما والیان در مرتبه منصب و اعتبار زیاده بر بیگلر بیگیان می باشند ، و رتبه بیگلر بیگیان زیاده بر خوانین . و در هر سرحدی و ولایتی که بیگلر بیگی نشین است جمعی که در حوالی و اطراف مملکت او حاکم می شوند تابع و قول بیگی بیگلر بیگی همان سمند . و به عرض بیگلر بیگی معزول و منصوب می گردند . و به این نسبت سلاطین هر سرحدی تابع خوانین همان سرحد می باشند .

و والی در ممالک ایران چهار است که اسامی هر یک نظر به رتبه و اعتبار که بیشتر از دیگریست به ترتیب مذکور می شود :

اول عالی‌جاه والی عربستان که به اعتبار سیادت و نجابت و زیادتی ایل و عشیرت از والیان دیگر بزرگتر و به حسب رتبه از همه بیشتر است . و محال عربستان بلا تعیین مبلغ و مقدار ، سوای دوهزار تومان که حسب القبول والیان به سرکار دیوان می‌داده‌اند . و اکثر آن وجه به موجب و مقررری مستحفظین قلعه محسنیه و اقوام واقربای ولات داده می‌شده . بلکه در ازمنه آخری مبلغ مذکور وفا به مقررری و موجب والی زاده‌ها ننموده از وجوهات سایر ولایات نیز مبلغی در وجه آنها مقرر شده بود . دیگر چیزی از آن ولایت عایدی دیوان نبوده و از درگاه معلی کتوال و مستحفظ به جهت قلعه مزبوره تعیین . و موجب ایشان از دوهزار تومان مزبور و سایر وجوهات داده می‌شده .

و در هر سال [با] چند رأس ایقر و مادیان عربی الاصل به عنوان پیش کش به درگاه معلی حاضر می‌شده‌اند . مادام که در اردو توقف داشته‌اند مهان بوده‌اند ، و به قدر گنجایش حال هریک روز بروز از قرار تصدیق و بر آوردن مهان دار باشی از سرکار خاصه شریفه از وجوه صادر مملکت اخراجات داده می‌شد ، و فروش و سایر اسباب ضروریه و ما یحتاج ایشان کلهم با سرکار خاصه شریفه بوده .

و در وقت تفویض منصب والی گری خلاع فاخره پوشیده و تاج و جیقچه و طومار و خنجر و شمشیر و اسب معزین و لجام طلا ، و آنچه خویشان و اقوام بودند خلعت معمولی به ایشان شفقت می‌شد . و به علت تفویض منصب و خلعت و موجب و تیول و همه ساله و انعام مقرر بود که از ایشان به علت رسوم احدی مطالبه نکند . و اگر در سالی به اعتبار مواعی چند انفاذ پیشکش مقررری تعذری بهم برسانید از ایشان بازخواستی نمی‌شد . و جای او در مجلس بهشت آیین بالادست تفنگچی آقاسی بود .

دوم عالی‌جاه بیگلربیگی لرستان فیملی که سابقاً مخاطب به والی بود و ثانی الحال به بیگلربیگی ملقب شد . اما به طریق والیان عربستان و گرجستان فی الحقیقه والی می‌باشد و عظیم الشان است . و در حین ورود به درگاه معلی مهان بود و در مجلس بهشت آیین بالادست تفنگچی آقاسی می‌نشست .

واخراجات او از بیوتات معموره داده می‌شد لیکن در عرض راه خرج معمول نیست که داده شود. و الکاء لرستان بدون تعیین مبلغ و مقدار و گذشتن تیول نامیچه به ایشان داده شده.

و در ارقام ایالت و سایر ارقامی که به اسم ایشان صادر می‌گردد لفظ «ارخر» علاوه القاب ایشان نوشته می‌شود. و قشون معین ندارند در اسفند بغداد و کردستان و عربستان تا سه چهار هزار نفر هم آورده‌اند. و اسفند بعیده تا پانصد نفر می‌فرستاده‌اند.

در حین تفویض منصب به علاوه خلاع فاخره و جیقّه و طومار و اسب و زین و رخت به ایشان داده می‌شد و احدی بهیچ وجه از ایشان رسومی توقیع نمی‌نمود. و دستور بود که ولد یا برادر مشارالیه همیشه در درگاه معلی باشد و در سالک آقایان منظم و مواجب در وجه او مقرر می‌شد و در مجلس عام می‌نشست. و هر ساله یک مرتبه در ازاء پیشکش اقراری داشت؛ و اگر اتعذری داشت بازخواستی نمی‌شد. و مشارالیه قول بیگی احدی نیست که در حکم او باشد. و قول بیگی نیز ندارد.

و مدخل الکاء مزبور موافق نسخه‌ای که میرزا علی اکبر مستوفی خاصه در او دیل ۱۰۹۶ بعد از گرفتن شاهوردی خان به ضبط اموال مشارالیه و تحریر نسخه مداخل آنجا مأمور گردید. مداخل الکاء مزبوره را به مبلغ بیست و سه هزار و پانصد و هشتاد و نه تومان و نه هزار و دو بیست و چهار دینار مشخص نموده است.

سیم عالی جاهان والی گرجستان کارتیل و کاخت که در بعضی از ازمنه سابقه با یک شخص بوده و بعضی اوقات به دو کس مرجوع می‌شده. و مداخل آن ولایت بدون تعیین مبلغ و مقدار در وجه ایشان مقرر بوده، و کورتوال و مستحفظ به جهت قاعه تفلیس از درگاه معلی تعیین.

و مواجب آنها سوای وجوهات گرجستان مبلغ پانصد و هفتاد و نه تومان و دو هزار و هشتصد و چهل و دو دینار از بابت محال پشتکوه و طارم و قزوین در وجه ولایت کارتیل مقرر بوده.

و بدستور ولات عربستان خود و اقوام ایشان مادام که در درگاه معالی توقّف داشتند مهیا بوده اخراجات ایشان همه جهت بدستور معمول چاشت و شب از سرکار خاصه شریفه داده می شده .

و در مجلس بهشت آیین والی کار تیل بالادست قورچی باشی می نشست ، و والی کاخ بالا دست تفنگچی آقاسی می نشستند .

و در حین مرخص شدن از درگاه معالی نقد و جنس به صیغه انعام شفقت ، و مهیا انداز نیز تعیین می نمودند که در عرض راه مایحتاج آنها را در هر منزل قدغن نماید که عمال هر ولایت مهیا نماید .

و بدستور ولات عربستان به ازاء تفویض منصب خلّاع فاخره پوشیده ، و اسب مع زین و لجام طلا به ایشان داده می شد . و به علت تفویض منصب و خلعت و انعام و پیشکش مقرر بوده که ارباب رسوم [از ایشان طلبی] نمایند .

و معمول بود که در روز نوروز و بین سال چند نفر غلام و کنیز و شراب به عنوان پیشکش انفاذ درگاه معالی می نمودند . و در سالی که انفاذ پیشکش تعذری بهم می رسانید از ایشان بازخواستی نمی شد .

چهارم بیگلربیگی کردستان که او نیز در تلو و الیان عظام در سنوات سابقه شمرده می شده و عظیم الشأن است . و الکاء کردستان از قدیم الایام بدون تعیین مبلغ و مقدار به ایشان داده می شده .

و در اسفار نزدیک مثل بغداد و عربستان و آذربایجان قریب به دو هزار نفر قشون فرستاده اند ، و در اسفار بعیده از دویست تا پانصد نفر قشون حاضر ساخته اند .

و در درگاه معالی که حاضر می شده مهیا [بوده] . و جای او در مجلس بهشت آیین بعد از تفنگچی آقاسی بوده . اخراجات از بیوتات داده می شده . و در سنوات سابقه رسوم به ارباب مناصب نمی داده اند . و در اواخر ایام شاه سلطان حسین مقرر بود که یک نفر از اولاد با برادر مشارالیه در درگاه معالی بوده باشد و در سلک آقایان ملازم و مواجب در وجه او

مقرر بوده و در مجلس عام می‌نشسته . و حاکم جوان رود و حاکم خور خوره و حاکم اوزون سقال و حاکم اورمان قول بیگی و تابین او بوده‌اند .

و در تفویض منصب به علاوه حاکم اورمان خلایع فاخره پوشیده تاج و طومار و جیقه عنایت می‌شد .

و هر ساله پیشکش مقرر داشته‌اند، و اگر به جهتی واصل نمی‌ساخته‌اند بازخواستی از ایشان نمی‌شده .

و مداخل بیگلربیگی مزبور مبلغ چهارده هزار و سیصد و هشت تومان و هفت هزار و چهارصد و چهار دینار مشخص شده .

پنجم عالی‌جاه حاکم بختیاری از جمله حکتام عظیم‌الشان و وجوهات الکاء بختیاری به مبلغ و مقدار معین بدون گذرانیدن تیول نامچه در وجه مشارالیه مقرر و قول بیگی ندارد ، و قول بیگی احدی هم نیست نیست . و در اسفار قریبه عربستان و بغداد یک هزار نفر و در اسفار [بعیده] از صد و پنجاه الی دویست نفر قشون می‌فرستاده‌اند . و جمعی از اولاد واقوام ایشان در درگاه معلی که حاضر می‌شدند .

در مجلس بهشت آیین جای حاکم مشارالیه بعد از دیوان بیگی بوده . اخراجات ایشان از بیوتات معموره داده می‌شد . و رسوم ارباب مناصب از ایشان باز یافت نمی‌شد .

و در حین تفویض منصب به علاوه خلایع فاخره تاج و جیقه و طومار و باشمشیر یا خنجر به ایشان مکرمت می‌شد .

و هر ساله یک مرتبه دو رأس مادیان و نه رأس استر و نه دست شاهین آل و پنجاه من شوره و مرتبه دیگر بار خاتمه برنج و ترنج و لیمو انفاذ درگاه معلی می‌نمودند . و درازاء آن خلعت پوشیده به ایشان شفقت می‌شد . و اگر در سالی به اعتبار مواعی چند انفاذ پیشکش مزبور تعذری بهم می‌رسانید، از ایشان بازخواست نمی‌شد .

اما بیگلربیگیان عظیم‌الشان ایران سیزده است : اول قندهار دوم شیروان سیم هرات چهارم تبریز پنجم چخور سعد ششم قراباغ و گنجه هفتم استرآباد هشتم کوه

گیلویه نهم کرمان دهم مرو شاه‌یجان یازدهم قلمرو و علی شکر که عبارت از بیگلربیگی همدانست دوازدهم مشهد مقدس اعلی سیزدهم دارالسلطنه قزوین که در ازمنه سابقه وزیر و داروغه و کلانتری و مستوفی تعیین می نمودند نهایت در اواخر زمان شاه سلطان حسین طهماسب خان غلام را به رتبه بیگلربیگی گری آنجا تعیین و از وجوهات محال حوالی و حواشی و رانکوه مبلغی مداخل در وجه او مقرر شد که سیصد نفر قشون نگاهدارد. و نوع دوم در ذکر امراء درگاه معانی که هریک به منصب مختصی سرفرازند. و غرض از تسوید این رساله ظاهر ساختن شغل هریک از ایشان و سایر ارباب مناصب اصفهان است. اولاً باید دانست که چهار نفر از امراء درگاه گردون اشتباه را ارکان دولت قاهره می نامند: اول قورچی باشی دوم قوللر آقاسی سیم ایشیک آقاسی باشی چهارم تفتنگچی آقاسی. و این چهار نفر با عالی جاه وزیر دیوان اعلی و دیوان بیگی و واقعه نویس هفت نفر می شوند که از قدیم الایام داخل امراء جانی بوده اند. و در اواخر زمان شاه سلطان حسین در چند مجمع ناظر و مستوفی الممالک و امیرشکار باشی نیز داخل بودند. و اگر جانی به خصوص فرستادن سپهسالار به سمتی از اطراف ممالک محروسه باشد حضور سپهسالار در مجمع خانقی نیز شرط است.

فصل اول از باب دوم در بیان شغل عالی جاه وزیر دیوان اعلی که اعظم جمیع خدمات و مناصب و عمده ترین ارکان دولت و قاطبه امراء درگاه گردون اشتباه و امراء ولایات ممالک محروسه است. و ضبط مالیات و داد و ستد کل مداخل و مخارج دیوانی به اطلاع و استصواب و رقم و مهر عالی جاه مشارالیه باید صورت پذیر گردد. و تعیین وزراء و مستوفیان جزء و کلانتران و محرران و ضابطان و متصدیان و مستأجران و غیرهم و مباشرین و عمال دیوانی هر ولایت و قرار اجارات و مهم رسانیدن توفیر در مالیات دیوانی و تخفیف بعضی از وجوهات که گنجایش تخفیف داشته مقرون به حساب و مقتضای عدل و انصاف باشد، و تعیین محصلان و به اطراف و جوانب ایران به جهت قرارداد جمع محال تعلق به مشارالیه دارد. و محاسبات محصلان و ضابطان و رعایا و سایر مودیان مالیات دیوانی را که مستوفیان عظام

تنقیح دهند بعد از رقم مشارالیه و پذیرفتن سخنان مؤدیان مناط اعتبار است. و ارقام و احکامی که در هر باب و بر طبق عرض هر کس صادر شود بعضی قبل از ثبت دفاتر خلود و برخی بعد از ثبت دفاتر به مناسبت هرامر باید به مهر مشارالیه [برسد]. چیزی از مالیات دیوانی داد و ستد نمی شود، و آنچه متعلق به سایر ارباب اختیار و مالیات دیوانی و امور مملکت بوده باشد باید به اطلاع و استحضار مشارالیه به عمل آورند.

و نسخجاتی که عمال و ضابطان هر ولایت برداد و ستد و عمال کرد جزو خود نوشته انفاذ درگاه معلی نمایند؛ بعد از سنوال و جواب دفتری آنچه مقرون به حساب نبوده باشد از خرج هر یک اخراج، و مابقی را که مقرون دانند رقم نمایند. مستوفیان هر سرکار به خرج عمال هر مملکت و ضابط و مستأجر هر وجه مجری و محاسبه بر وجه قانون حساب مفروغ سازند.

و چنانچه احدی از امراء و بیگار بیگیان و سلاطین و سایر ریش سفیدان هر یک از ممالک محروسه مرتکب ظلمی و جبری و تعدی و بدعتی و خلاف حسانی شوند و پای از جاده حق و حساب و امور مستمره و معمول و دستور مملکت به ضابطه حقانیت بیرون گذارند و وزیر اعظم مطلع گردد اعم از آنکه از او شکایت کنند یا نکنند، باید آن شخص را از ارتکاب او ممنوع نموده در رفع و منع آن کوشد و امور جزئیها را به موجب فرموده و تعلیقه و نوشته خود رفع نماید. و چنانچه مودی یکی از ولایات بایگاریان عظیم الشأن بوده به امر و نهی او ممنوع و متقاعد نگردند به خدمت بندگان ثریا مکان عرض و بد آنچه امر اقدس در آن باب شرف صدور یابد از آن قرار معمول و مرتب دارد.

و تعیین ملازمان دیوانی از هر طایفه و طبقه منوط و مربوط به تصدیق و تجویز و مصلحت و عرض ریش سفیدان طایفه است. نهایت تعلیقه و رقم ملازمت آنها باید اولاً به مهر وزیر اعظم و بعد از آن به مهر میهر آثار مزین گردیده بعد از آن ثبت دفاتر می شود. و وظیفه خدمت مشارالیه آنکه هر روز به کشیکخانه در ب دولت خانه آمده خلاق مطالب خود را به او عرض نموده و حسب الواقع به دیوان هر یک رسیده آنچه خود تواند

فیصل داد انجام داده ، آنچه امر کلتی و محتاج عرض اقدس بوده باشد به عرض رسانیده .
تعلیقته و احکام و ارقام که در هر باب صدور آن واجب و لازم بوده باشد به موجب نوشته
مشارالیه صادر گردد . و در هر باب دعای خیر به جهت ذات اقدس و وجود مقدس
حاصل نماید .

و امراء عظام و سایر ارباب کرام دیوان اعلیٰ به ترتیبی که در مجلس بهشت آیین
می نشینند در کشیکخانه نیز بهمان رویه و آداب بنشینند .

و به عرض رسانیدن مطالب والیان عربستان و گرجستان و صدور ارقام و احکام
و تعلیقات بر طبق عرض آنها . و مهانداری کسان و فرستادگان مشارالیه ، و بعرض
رسانیدن و باز یافت خلعت و انعام در وقت مرخص ساختن در عهده اتمام و کلاء
مشارالیه است .

و خواندن فاتحه در مجلس بهشت آیین بعد از صرف طعام نیز متعلق به عالی جاه
مشارالیه است .

و مقرر است که بعد از تفویض وزارت اعظم قلم دوات مرصع مخصوصی که در خزانه
ضبط است به عنوان سپرده به عالی جاه مشارالیه داده شود . و ایضاً در حین تفویض وزارت
دستور است که به علاوه خلاع آفتاب شعاع تاج و هاج و جیقه و طومار نیز به عالی جاه
مومی الیه شفقت شود .

و پیشکش نوروژی مشارالیه که در نوروژ باید از نظر کیمیا اثر اقدس بگذرانند
یک هزار عدد اشرفی و دوازده رأس اسب ایقر و مادیان است .

و به صیغه مواجب چیزی در وجه عالی جاه مشارالیه مقرر نیست و جیره و رسم
الوزارة و انعام همه ساله و حق القرار و سایر رسومات که در وجه وزراء دیوان اعلیٰ مقرر
بوده موافق سررشتجات دفتری به موجب تسوید ذیل :

بابت رسم الوزاره از محال معین هشتصد و سه تومان و سه هزار و نهصد و چهل و
سه دینار .

بابت انعام همه ساله از اصفهان نقد بیست تومان ، جنس عن قیمت برنج و گندم و غیره موافق تغییری که در سنوات سابقه مشخص نموده بودند ، و حال مضاعف است : نه هزار و صد و بیست و یک من ، چهل و پنج گله ، دو قطعه گندم به وزن تبریز هفت هزار من ، روغن گوسفند دویست من ، برنج یک هزار و چهار صد و شصت من ، کشک سی من ، نخود هفتاد و پنج من ، دوشاب سی من ، سرکه سی من ، آبلیمو بیست من ، مغز بادام ده من ، کشمش بیست من ، پنیر شور پنجاه من ، پیه گداخته یکصد و پنجاه من ، انار دانه بیست من ، زرشک ده من ، نبات پانزده کله ، قند اصل سی کله ، شکر چینی دو قطعه : ادویه حاره : فلفل پنج من ، میخک دو من ، هیل یک من و نیم ، دارچینی چهار من .

بابت رسوم از قرار تومانی دفعه از تیول امراء و مقربان و آقایان سیصد و سی دینار ، دفعه از همه ساله ایضاً دویست و بیست دینار . دفعه از براتی ایضاً یکصد و ده دینار ، دفعه از اجارات پانصد دینار ، دفعه از انعام امرا و جمعی که ملازم نباشند و سیور غالات و معافی و موجب حق السعی عمال و اقطاع تملیک ششصد و شصت دینار .

فصل دوم از باب دوم در بیان شغل رکن السلطنة القاهرة عالی جاه قورچی باشی .

مشارالیه از جمله ارکان اربعه و عمده مقربان و امراء عظیم الشأن و ریش سفید قاطبه ایلات و اویماقات ممالک فسیح المسالک ایران و از جمله مناصب قدیمه است .

و در باب تعیین یوزباشیان و ملازمت قورچیان بعد از عرض به خدمت اقدس تعایقه ملازمت ایشان را عالی جاه مزبور قلمی و به خدمت عالی جاه وزیر دیوان اعلی می برند . بعد از رقم عالی جاه اعتماد الدوله رقم ملازمت به جهت ایشان نوشته می شود .

و موجب براتی و عوض تیول یوزباشیان و سایر قورچیان بعد از عرض به خدمت عالی جاه وزیر دیوان اعلی و کیفیت دفتری که به رقم عالی جاه مشارالیه رسیده باشد تنخواه داده می شود .

و پروانچه تنخواه به مهر قورچی باشی برسد و همه ساله قورچیان و یوزباشیان

در سال اول بر طبق عرض ایشان بعد از کیفیت دفتری عالی جاه قورچی باشی تجویز و عالی جاه وزیر دیوان اعلیٰ رقم می نماید و | داده می شود. و در سنوات بعد هر ساله جماعت مزبوره در باب تصدیق همه ساله خود به خدمت قورچی باشی عرض و بعد از حقیقت | رسی | سرکار قورچی و توجیه به تجویز عالی جاه قورچی باشی می رسد که تصدیق همه ساله داده شود. مستوفیان تصدیق همه ساله می داده اند و ضمن ارقام ملازمت و احکام تنخواه و همه ساله جماعت مزبوره به مهر و طغرای مدادی او می رسید. و خدمت ایالت و حکومت و سلطنت و غیره به جماعت قورچی بر طبق عرض عالی جاه مشارالیه و تعلیقه وزیر دیوان اعلیٰ شفقت می شده.

و دعاوی که قورچیان بایکدیگر داشته باشند و طلب تنخواه فیما بین ایشان را قورچی باشیان به حقیقت رسیده قطع و فصل می داده اند. و اگر احدی از قورچیان را مطلب و استدعاء عرض باشد چنانچه در باب مالیات دیوانی بوده باشد اول به وزیر دیوان اعلیٰ و باعذر تنقیح عالی جاه مشارالیه به خدمت اقدس عرض و به جواب صواب مقرون می گرداند. و آنچه شرعی بوده باشد به حکام شرع رجوع می نماید.

و تولیت مزار خاقان رضوان مکان بایکصد تومان حق التولیه با قورچی باشیان بوده. و عرض مطالب شمشال که حاکم داغستان بوده باشد و اوسمی که نیز منصبی است در داغستان متعلق به قورچی باشیانست. و کسان و فرستادگان ایشان که به درگاه معلی آیند قورچی باشی مهانداری تعیین نموده عرایض ایشان را به نظر اقدس می رسانید. ارقام و احکام که در آن باب صادر گردد به اتمام رسانیده از سرکار خاصه شریفه به جهت مشارالیه انعام و خلعت گرفته روانه می نماید.

و قرق عقب حرم محترم علیه عالییه در اسفار به عالی جاه مشارالیه و توابین او متعلقست. و جماعت یساقچی و یساولان قور و مهانداری باشیان و یساول باشیان و نسقچی باشیان نیز تابینان مشارالیه می باشند.

و در هر مولود و مسعود ولی نعمت عالمیان مقرر است که عالی جاه مشارالیه مبلغی نقد

و از جمیع اجناس از مأکول و ملبوس و غیره از مال خود که تقریباً مساوی سیصد تومان می‌شود به عنوان تصدق قبله، عالم به خدمت و الانهت حاضر ساخته تقدرا داخل خزانة عامره می‌نمایند که بهر یک از مستحقین که حسب الامر مقرر شود علی‌قدر احوال می‌دهند. و اجناس دیگر نزد منجم‌باشیان فرستاده می‌شود که به مصارف خیر در وجه فقراء رسانیده شود. و در ازاء آن معمولات که سه‌مطلب عظیمه عرض نماید از قبیل استخلاص امراء محبوس و غیره باید البته به جواب صواب مقرون گردد. ملبوسی که ولی‌نعمت عالمیان در وقت حمل پوشیده باشد، عالی‌جاه ناظر بیوتات ضبط نموده در مولود مسعود به عالی‌جاه قورچی باشی شفقت می‌فرمایند.

و مقرر است که در حین تفویض خدمت مزبور خلاع فاخره و تاج و هاج و جیقه و طومار به مشارالیه عنایت شود.

و در اسفار باید به اتفاق توابع خود شبها به کشیک حاضر گردد.

و دو هزار و پانصد و هشتاد تومان و سه هزار و سیصد و هشتاد و هفت دینار از کازرین فارس به تیول قورچی‌باشیان مقرر بوده از تیول و غیره قورچیان بر این موجب رسوم داشته، و عالی‌جاه مشارالیه از امراء جانبی است.

بابت تعیین مواجب و تیول و انعام از قرار تومانی پانصد دینار.

از بابت تنخواه براتی و همه ساله صد دینار.

در مجلس بهشت آئین بعد از عالی‌جاه صدر ممالک جانب دست‌چپ می‌نشستند.

فصل سیم از باب دوم در بیان شغل عالی‌جاه سپهسالار کثیر الاقتدار ایران. مشارالیه

از جمله امراء جانبی و بعد از قورچی‌باشی عمده، از باب سلاح و در اسفار مأمور، و تغییر و تبدیل حکام و سلاطین و سایر عساکر منصوره منوط به رأی و صواب دید عالی‌جاه مشارالیه است. و هر گونه حکمی و امری که متعلق به مجادله و محاربه، معرکه، کارزار و جنگ و پیکار بوده به مشارالیه منقوض و مرجوع است. و ایالت تبریز و مغان و بعضی از محال دیگر آذربایجان به عالی‌جاه مشارالیه تفویض می‌یافته.

و در وقت مرخص شدن از درگاه معالی خلایق آفتاب شعاع و تاج و هاج و دوجیقه و طومار و اسب مع زین و رخت طلا و اسلحه به مشارالیه شفقت می شده .
 و مداخل سپهسالاری در ایام رستم خان سوای بلامبلغی نقد اجناس هفده هزار و چهار صد و شصت و چهار تومان و هفت هزار و دویست و نود و هشت دینار مشخص شده که از محال آذربایجان و عراق داشته .

فصل چهارم از باب دوم در بیان شغل رکن الدولة العلیة العالیة عالی جاه قوللر آقاسی .
 مشارالیه بعد از عالی جاهان قورچی باشی و سپهسالار عمده ترین امراء و ارکان دولت باهره^۴ اربعه و ریش سفید قاطبه^۵ غلامان سرکار خاصه شریفه است . و بدستور عالی جاه قورچی باشی مین باشیان و یوزباشیان جزایری انداز و جمیع غلامان به تجویز و تصدیق او تعیین ، و در وجه او هر یک از ایشان از حیثیت قابلیت و رتبه تیول و مواجب و همه ساله و برائی و انعام بعد از رقم عالی جاه وزیر دیوان اعلی شفقت ، و رقم ملازمت و تنخواه داده می شد . و ضمن ارقام ملازمت و احکام تنخواه و تیولناجیات و همه سالجات ایشان به طغرا و مهر عالی جاه مشارالیه می رسید .

و دعوی و گفته گوی عرفی و سایر امور متعلقه به غلامان را عالی جاه مزبور به حقیقت رسیده قطع و فصل می داد . و آنچه شرعی بود به حکام شرع رجوع می نمود . و مطالب و مستدعیات آنها را آنچه در باب مالیات دیوانی بود به عالی جاه اعتمادالدوله ، و آنچه [موقوف به] عرض بود به خدمت بندگان اقدس معروض می داشت .

و نسخه^۶ سان غلامان را وزیر و مستوفی سرکار غلامان در خدمت اقدس در حضور عالی جاه مذکور به معرض عرض می رسانیدند . و عالی جاه منصور از امرای جانتی . و مقرراست که به علاوه خلعت منصب تاج و هاج و جیقه و طومار شفقت شود . و در اسفار شها با تواین خود بکشیک حاضر شود .

مبلغ دو هزار تومان از وجوهات گلپایگان تیول برادر وی داشته ، و از غلامان بدستور عالی جاه قورچی باشی رسوم بدین موجب می گرفته است :

از بابت تعیین مواجب و تیول و انعام پانصد دینار .

از بابت از همه ساله و براتی یکصد دینار .

و در مجلس بهشت آیین جانب دست چپ بعد از عالی جاه قورچی باشی می‌نشند .

فصل پنجم از باب دوم در بیان شغل عالی جاه و مقرّب الخاقان ایشیک آقاسی باشی .

مشارالیه از جمله ارکان اربعه دولت قاهره و مقرّبان درگاه گردون اشتباه و ریش سفید آقاییان عظام و یساولان صحبت مجلس بهشت آیین و ایشیک آقاسیان و قاپوچیان دیوان اعلی و سایر یساولان و جارچیان کشیک است . و از قرار تجویز مشارالیه مواجب و تیول و همه ساله و تنخواه براتی و انعام این جماعت بعد از رقم عالی جاه وزیر دیوان اعلی داده می‌شده .

و ضمن ارقام ملازمت و احکام و تنخواه و همه ساله آنها در این اواخر زمان شاه سلطان

حسین به طغرا و مهر مشارالیه می‌رسید . اما سابق برین دستور و معمول نبوده که ایشیک

آقاسی باشیان ضمن ارقام را مهر نمایند .

و نظم و نسق مجلس بهشت آیین و ترتیب نشستن امراء عظام و ارباب مناصب دیوان

اعلی و ایستادن یساولان صحبت و قورچیان یراق و غیرهم و نسق درب دولتخانه مبارکه و

سواریه‌های بندگان اقدس ارفع و پابوس فرمودن ارباب مناصب از امراء عظام و ولات

والا مقام و بیگار بیگیان گرام و سلاطین و حکام ذوالاحترام و وزیرای صافی‌رای و مستوفیان

صداقت نشان و غیرهم در حین تفویض منصب و خدمت و انعام و خلعت و پیشکش و شفقت

هر نوع که بوده باشد از هر طایفه به شرط حضور ریش سفیدان هر صنف و طایفه متعلق

به عالی جاه مشارالیه است . و دیگری را در آن امر مداخلتی و نسبتی نیست .

و هم چنین گذرانیدن پیشکش در محافل جنت مشاکل و غیره از نظر کیمیا اثر و رساندن

عرایض امراء سرحدات به نظر خیر منظر اقدس سوای عرایض والی عربستان و گرجستان

و کاخ و کار تیل که به عالی جاه اعتماد الدوله [می‌رسد] و عرایض شمخال و اوسمی که

عالی جاه قورچی باشی نسبت دارد همه با اوست .

و نشانیدن هر کس به جا و مکان مقرر در مجلس بهشت آیین و ضبط سیاهه و تفصیل

واسامی آنها به ترتیبی که در مجلس بنشینند و ایستاده داشتن قورچیان یراق و سایر مقربان و معتمدان به ترتیب مقرر در مجلس جنت مماثل و گفتن تکبیر نیز بعد از صرف طعام و شیلان مختص به اوست .

و آوردن شیلان تا پای تالار متعلق به ناظر بیوتات و بعد از ورود به مجلس دیگر ناظر را بهیچ وجه دخلی نیست . و نسق آن به ایشیک آقاسی می باشد . و بدستور بردن پیشخانه مبارکه در اسفار سانحه به منازل مقرر به اتفاق مقرّب الحضرة داروغه فراشخانه و فراش باشی باجمعی از توابعین خود و عماله فراش خانه و بیادارخانه و معاودت و استقبال نمودن قدری راه و تعمیر پلها و ممرها که در عرض راه واقع باشد به مومی الیه مرجوع است .
و در اسفار باید که شبها به اتفاق توابعین به کشیک حاضر شود .

و لشکر نویس دیوان اعلی و سرخط نویس در اوقاتی که عالی جاه مشارالیه سان توابعین خود را ملاحظه یا به سفری ایشان را مأمور نماید نسخجات سان ایشان را مشارالیهها و محرران آن سرکار نوشته و لشکر نویس در حضور عالی جاه مزبور می خوانده حکمی که ریش سفید مزبور درباره ایشان می نمود مشارالیهها در تحت اسم هر یک می نوشت .

و پیشکش نویس سرکار خاصه شریفه نیز به اعتبار اینکه پیشکشهای نوروزی و غیره که به جهت پادشاهان می آوردند سوای مأكولات که پیشکش می نمایند همگی را مفصلاً سیاهه نموده طومار آن را به عالی جاه ایشیک آقاسی باشی تسلیم می نمود . و اعلام پابوس مناصب بهر کس که مفوض شده با مشارالیه است .

و از پیشکش عالی جاه مشارالیه یکده یک باز یافت و از آن جمله یکده یک به پیشکش نویس داده می شود و تتمه خود را متصرف . در حین تفویض خدمت به علاوه خلایع فاخره آفتاب شعاع تاج و هاج و جیقه و طومار به مشارالیه شفقت و یک عده دگنک مرصع نیز به عنوان پیشکش به مشارالیه داده می شود .

و شترانی که در سرکار خاصه شریفه به تمغا برسد هر پنجاه نفر یک نفر به صبغه داغ بها و گوسفند و بره سوای گوشت ابتیاعی که در مطبخ خاصه تسلیم می شود از پنجاه

رأس یک رأس در وجه مشارالیه مقرر بوده و در آخر هر سال کیفیت نموده از قرار تصدیق مشرفان به او تنخواه داده می شده . محمود آقا و موسی خان در ایام نظارت تنخواه ندادند . و نتاج ایلخیان سرکار خاصه شریفه را نیز مشارالیه هر ساله کس تعیین و به اتفاق گماشته عالی جاه امیر آخور باشی ایلخی و معتمد ناظر دواب و مشرف ایلخی به مراتع ایلخیان که در هر ولایت بود رفته ، و تمغا و سیاهه به سرکار ارباب تحویل می بردند که از آن قرار ابواب جمع و بازخواست شده ، حیف و میلی واقع نشود . و تمغای شتر و گوسفند هر دو در نزد عالی جاه ایشیک آقاسی باشی ضبط می شود . و عالی جاه مزبور و عالی جاه ناظر بیوتات هر دو را مهر می کند .

و مداخل حکومت ری بدین موجب در وجه ایشان مقرر بوده : دو هزار و شیشصد و هفتاد و پنج تومان و یک هزار و پانصد و سه دینار و نیم .
بابت که در ازاء آن یکصد و پنجاه نفر ملازم نگاه می داشته اند که در اسفار حاضر سازند یک هزار و هفتصد تومان .
بابت که مقرر عالی جاه مشارالیه بوده نهصد و هشتاد و پنج تومان و یک هزار و پانصد و سه دینار .

فصل ششم از باب دوم در باب شغل عالی جاه تفنگچی آقاسی است . مشارالیه از جمله ارکان اربعه دولت قاهره و ریش سفید تمامت مین باشیان و یوز باشیان و جارچی باشیان و تفنگچیان و ریکایان و تبر داران است . و تعیین مواجب و تیول و همه ساله و انعام و تنخواه براتی ایشان از قرار تجویز عالی جاه مزبور که به رقم وزیر دیوان اعلی رسیده باشد داده می شد . و ضمن ارقام و احکام آنها به طغرا و مهر تفنگچی آقاسی می رسیده .
و قطع و فصل دعاوی عرفی که فیما بین آنها اتفاق افتد عالی جاه ریش سفید فیصل می داده و عرض مطالب آن جماعت متعلق به مشارالیه است .
و قورق پیش حرم محترم در اسفار سانحه متعلق به مشارالیه است ، و عالی جاه ایشیک آقاسی باشی حرم بوده .

ونسخته سان تفنگچیان را وزیر و مستوفی سرکار مزبور در خدمت اقدس در حضور عالی‌جاه مشارالیه به معرض عرض می‌رسانید.

و در حین تفویض منصب به علاوه خلّاع فاخره تاج و هاج و جیقه و طومار شفقت و عنایت، و یک قبضه دورانداز طلا به عنوان سپرده داده می‌شده. در اسفار باید شبها با تواین به کشیک حاضر گردد.

واز الکاه ابرقوه هفتصد و یازده تومان و پنجهزار و شیشصد و پنجاه و یک دینار تیول بر آوردی در وجه ایشان مقرر بوده، رسوم مشارالیه و وزیر او بدستور قورچی باشی. و در مجلس بهشت آیین طرف دست راست پادشاه بعد از عالی‌جاه صدر خاصه می‌نشیند.

از بابت تعیین مواجب و تیول و انعام از قرار تومانی پانصد دینار.

از بابت تنخواه براتی و همه ساله یکصد دینار.

فصل هفتم از باب دوم در بیان شغل عالی‌جاه مقرب الخاقان ناظر بیوتات.

[... مشارالیه به عمل آید (؟) اکثری از صاحب‌جمعان بیوتات و تمام عملة بیوتات و عمارات و باغات اصفهان و سایر ممالک محروسه و عملة یخچالها و حمامها و به تجویز و تصدیق مشارالیه که عرض و به رقم وزیر دیوان اعلیٰ رسیده باشد تنخواه داده می‌شود.

و سرانجام نمودن مایحتاج و ضروریات سفر و حضر از اقمشه و البسه و مأکول و مشروب و خلّاع فاخره و غیرهم و بر آورد اخراجات سالیانه همگی بیوتات معموّره و بازیافت تحویل صاحب‌جمعان بیوتات و اتمام اقمشه و ملاحظه پیشکشها و وصول و ضبط انفاذات بیوتات و تشخیص محاسبات آنها و ابتیاع اجناس از قرار تسعیر ناججات به مراعات صرفه و غبطه در موسم خود و ابتیاع اقمشه از قرار تصدیق ملک التجار و غیره تجاران و اهل خبرت و وقوف و ملاحظه روز نامجات اخراجات یومیّه بیوتات از طعام و حاضری و آنچه هر جهت در سرکار خاصه شریفه صرف شود و ملاحظه روز نامجات به خط وزیر بیوتات و مشرفان

هر کارخانه قلمی شده باشد و مشخص نمودن باقی و فاضل هر یک از صاحب جمعان و مؤدیان بیوتات و تعیین محصل بجهت وصول مستمریات بیوتات به موجب تعلیقه خود با اوست. و سالی یک مرتبه ملاحظه سان عملاء بیوتات و تحقیق حضور و غیبت آنها را نموده بر طوایر سان که صاحب جمعان تصدیق نموده باشند تجویز می نماید. و بعد از رقم وزیر دیوان اعلی از دفتر تنخواه براتی و تصدیق همه ساله داده می شده سوای مهتران و ساربانان که شش ماه به شش ماه ایشان را دیده مواجب ایشان از خزانه داده می شد.

و هم چنین تصدیق و تجویز مواجب و همه ساله عماله و رسیدن به مطالب ایشان و به موعده معین رخصت دادن که به اوطان خود رفته مراجعت نمایند و در باب تعیین و تغییر و تبدیل عماله به خدمت اقدس عرض نمودن و تنبیه و بازخواست از آنها نسبت به مشارالیه دارد.

و رسانیدن خلاع فاخره هر کس به نظر اقدس الا از کسانی را که پادشاه خود امر فرموده باشند که بگیرد.

و مقرر است که سالی یکبار ملاحظه عرض شتران سرکار خاصه شریفه نموده آنچه سقط شده باشد تمغای آنها را به اتفاق ایشیک آقاسی باشی دیوان سوخته سند اسقاط به مهتران و ساربانان دهد که مشرفان از آن قرار در روزناجیات عمل نمایند. و سوختن تمغای اسب و استر با ناظران بیوتات و امیر آخور باشی بوده.

و از ایام نجفقلی بیگ الی زمان محمدحسین بیگ مواجب ناظران هفتصد تومان بوده، موسی خان یک هزار و پانصد تومان داشته، و صفی قلی بیگ و محمود آقا و رجبعلی بیگ یک هزار تومان داشته اند، و الله و یوردی بیگ شیشصد تومان مواجب داشته. و رسومات را در رقم عالی جاه ناظر حال بدین موجب نوشته اند.

و مشارالیه در مجلس بهشت آئین جانب دست چپ پادشاه بعد از قولر آقاسی می نشیند.

از بابت ابتیاع از هر قسم جنسی تومانی پانصد دینار مقرر آن عالی جاه ناظر.

از بابت انعام و مواجب و غیره ته مانده از دینار مقرر آن عالی جاه.

از بابت اجناس انفاذ صد پنج من مقرر آن عالی جاه ناظر.

فصل هشتم از باب دوم در بیان شغل عالی جاه مقرب الخاقان دیوان بیگی است و [او]

از جمله امراء عظام .

و ضابطه در منصب مزبور آن بود که در هر هفته چهار روز به اتفاق صدور به کشیکخانه که مختص دیوان بیگیانست آمده احداث اربعه را که یکی عبارتست از قتل بهر نحو اعم از آنکه به تریاك یا مسموم یا خبه نمودن یا غیر اینها بوده باشد بعد از آنکه به عالی جاه مشارالیه عرض شد حسب التعلیقه عالی جاه مشارالیه غسال باشی ملاحظه مقتول مزبور نموده، حقیقت آن را عالی جاه مشارالیه حکم او را اجرا نماید . و سه دیگر که عبارت از ازاله بکارت و کور کردن چشم و شکستن دندانست از گناهکاران به حکم صدور بازخواست می نموده .

و به سایر دیوانهای ارباب رجوع کل ممالک محروسه و به رفع ظلم و زیادتی که واقع می شده و طلب و تنخواهی که اهل شهر و دهات زیاده بر چهار پنج تومان بایکدیگر داشته اند می رسیده . و اجرای احکام شرعیه و ضبط و نسق شهر که از اقویا برضعفا ستم و زیادتی واقع نشود نیز به دیوان بیگیان متعلقست .

و جمعی که از ظلم و تعدی احدی به دیوان بیگیان شکایت می کردند اگر ظلم مزبوره در حوالی شهر که مسافت آن بیش از دوازده فرسخ نبوده باشد واقع می شده دیوان بیگی تعلیقه بیاضی بر طبق عرض عارض به عهده احدی از توابعین خود نوشته طرفین را احضار و غوررسی می نمود .

و اگر عارضی از محال بعیده عرض شکایتی می نموده دستور چنان بود که در مقدمه قتل پنج تومان التزام عارض قبول ، و دیوان بیگی تعلیقه به عهده احدی از جماعت اجراو که محصل مقدمه قتل مختص ایشانست قلمی می نمود . بعد از آن حکم صادر و وجه التزام ابواب جمع مزبور و حکم مذکور در دفتر ثبت ، و به دستور سایر وجوهات تنخواه مواجب عمله دیوان می شد .

و دو روز دیگر از روزهای هفته در خانه خود به دعواهای حساسی عرفی می‌رسید. و هر یک از دیوانهانی را که دیوان بیگی خود متوجه می‌شد اگر دعوی در باب مالیات دیوان یا طرف دعوی از جمله ارباب قلم و توابعین وزیر اعظم بود به خدمت وزراء اعظم می‌فرستاد. و هم‌چنین اگر احدی از طرفین دعوی قورچی یا غلام یا سایر عساکر منصوره و عمه بیوتات بوده به ریش سفید هر سرکار رجوع می‌نموده. و سایر سکنه اهل شهر و ده را به خصوص دعاوی که تعلق به مال دیوان نداشته خود متوجه شده قطع و فصل می‌داده. و اگر جمعی از مردم ولایات به شکایت مردم بیگربگیان و حکام و سلاطین خود به اردوی معلی می‌آمده‌اند، و عرض مطلب خود را به وزراء اعظم نموده‌اند به دیوان بیگی عرض نموده باشند، دیوان بیگی به حقیقت شکایت هر یک رسیده به خدمت پادشاه کیفیت شکایت ایشان را عرض و از قراری که مقرون به صلاح دولت و ضابطه مملکت می‌دانسته غوررسی می‌نموده‌اند.

و مبلغ پانصد تومان مواجب داشته. و در ازمنه سابقه مبلغ نود و دو تومان و کسری بر آورد تیول داشته، و در اواخر مقطوع شده، و در بعضی از منته هزار تومان مواجب هم در وجه بعضی از دیوان بیگیان مقرر شده، و ده یک جریم متعلق به او بوده.

و در مجلس جانب دست راست بعد از تفنگچی آقاسی می‌نشیند.

فصل نهم از باب دوم در بیان شغل امیرشکار باشی است. مشارالیه از جمله امرای عظام و ریش سفید تمامت جماعت قوشچیان رکابی و سفرکش از یوزباشیان و کارخانه داران و صیادان و شیربانان و پارسچیان و سبکبانان. و تعیین مواجب و تیول و همه ساله و تنخواه براتی و انعام و تغیر و تبدیل و بازخواست و تنبیه ایشان و تصدیق و تجویز و طعمه جوارح و کلاب و حضور و غیبت و مرخص ساختن آنها از قرار سررشته و روزنامه چه به خط مشرف قوشخانه که به تجویز مشارالیه و رقم عالی جاه وزیر دیوان اعلی رسیده باشد و در دفاتر عمل، و ضمن ارقام و احکام آنها به طغری و مهر عالی جاه مشارالیه می‌رسیده.

و هر ساله مقرر و معمول بود که قوش اضافه که در قوشخانه جمع شده باشد به جهت

ولایت و بیگار بیگیان و سلاطین و وزرا و کلانتران ، بعضی به موجب ارقام مطاعه . و بعضی به موجب تعلیقه به قید حسب الامر الاعلی به مهر عالی جاه مشارالیه به صحابت قوشچیان سرکار خاصه شریفه که عالی جاه مشارالیه تعیین نماید فرستاده می شد . و از هر یک مبلغی معین مقرر بود که باز یافت و نزد عالی جاه مشارالیه آورده یک ده یک را متصرف و تتمه را به مناسبت فیما بین توابعین خود تقسیم ، و مشرف به جهت استحضار طوماری بر آن نوشته ، و به رقم عالی جاه وزیر دیوان اعلی رسانیده در دیوان ثبت می نمودند .
و قطع و فصل دعاوی عرفی که فیما بین آنها اتفاق افتد و عرض مطالب جماعت مزبوره متعلق به مشارالیه است .

و در حین تفویض منصب به علاوه خلایع فاخره تاج و هاج و جیقه و طومار شفقت ، و یکدست بهله مروارید نیز به عنوان سپرده به مشارالیه داده می شد .
و در اسفار باید با توابعین به کشیک حاضر گردد .
و موجب و تیول و همه ساله و رسوم عالی جاه بدین موجب است :
موجب از الکاء ابهر هشتصد تومان .
بابت تیول بر آوردی چهار صد و چهل و یک تومان و نه هزار و چهار صد و هشتاد و چهار دینار .

بابت همه ساله سیصد و پنجاه و سه تومان و سه هزار و سیصد و چهل و دو دینار .
بابت طلب به علت عوض تیول چهار تومان و هفت هزار و یکصد و هفتاد و دو دینار .
عوض رسوم امیرشکار باشی از الکاء دارالمرز که چون بدعت و رسم محدث بوده بر طرف نموده اند سه بیش به صیغه انعام صد و پنجاه تومان .
انعام همه ساله از بابت ارامنه و غیره هفتاد تومان .

از ارامنه جولاهی پنجاه تومان .
مجوسان [اصفهان] بیست تومان .
و در مجلس بهشت آیین طرف دست .
مد از عالی جاه ناظر بیوتات می نشیند .

فصل دهم از باب دوم در بیان شغل عالی جاه انیس الدوله توپچی باشی است .
مشارالیه ریش سفید مین باشیان و یوزباشیان و توپچیان و جارچیان توپخانه است و تیول و
موجب و همه ساله و براتی و انعام توابین مشارالیه بر طبق تجویز عالی جاه مزبور به رقم عالی جاه
وزیر دیوان اعلی رسیده تنخواه بازیافت .

و خدمت مین باشیگری و یوزباشیگری توپچیان و جارچیان و جارچی باشیگری
توپخانه و توابین ایشان و تعیین موجب و تیول و همه ساله کل جماعت مزبوره بر طبق عرض
عالی جاه مزبور شفقت ، و بعد از تعلیقه نمودن عالی جاه وزیر دیوان اعلی رقم اشرف
صادر می گردد .

و امور متعلق به توپچیان و عماله توپخانه را عالی جاه مشارالیه به حقیقت رسیده تمیز
و تشخیص می داد و ضمن ارقام و احکام ملازمت و تیول و تنخواه براتی و انعام جماعت
مذکوره به طغرا و مهر عالی جاه مشارالیه می رسیده .

و نسخه سان توپچیان را وزیر و مستوفی و سرکار مزبور در خدمت اشرف در حضور
عالی جاه مشارالیه به معرض عرض می رسانید .

و از الکاء شفقت پانصد تومان تیول بر آوردی در وجه او مقرر بوده . و بدستور
سایر ریش سفیدان بر این موجب مشارالیه و وزیر او رسوم داشته اند :

از بابت تیول و انعام و قرار موجب از قرار تومانی .

از بابت براتی همه ساله دفعه توپچی باشی پانصد دینار .

دفعه وزیر مشارالیه پنجاه دینار .

دفعه توپچی باشی صد دینار .

دفعه وزیر مشارالیه ده دینار .

و مشارالیه در مجلس سمت دست راست بعد از دیوان بیگی می نشیند .

فصل یازدهم از باب دوم در بیان شغل عالی جاه امیر آخور باشی جلو است . خدمت

مشارالیه آنست که در حین ملاحظه ... کاه میاب اسبان طوایل سرکار خاصه شریفه

ودواب پیشکشی و غیره را که به اصطبل می آورند در وقت سواری فرمودن، جلودارهای خاصه باید در رکاب ظفر انتساب حاضر باشد. و نظم و نسق بلوکات طوایل که در رکاب حاضرند با اوست. و بر طبق عرض و تصدیق مشارالیه امیر آخوران و مهتران و سقایان طوایل و جلوداران خاصه و خادمان و خواجه سرایان و غلامان و سایر عمده اصطبل تعیین می شوند.

و طوایر سان جماعت مزبور هر که هر سال ناظر بیوتات ملاحظه می نماید به تصدیق امیر آخورباشی می اندازند. و مشارالیه سوای جلوداران خاصه را که جلودارباشی تصدیق می کند تتمه را با نعل بندان و بیطاران تصدیق نموده، بعد از آن به رقم عالی جاه وزیر دیوان اعلی رسیده تنخواه همه ساله داده می شود.

و مواجب و رسوم او بر این موجب است:

مواجب نه ماهه یکصد و بیست تومان. نود تومان بر آوردی. عن الکاء یکصد و هشتاد و دو تومان و چهار هزار و پانصد و سی و شش دینار و چهار دنگ و نیم. بابت تیول بیست و هشت تومان و نه هزار و چهارصد و نود و نه دینار، یکصد و بیست و یک تومان و یک هزار و چهارصد و چهل و پنج دینار. بابت همه ساله شصت و یک تومان و سه هزار و نود و یک دینار و چهار دنگ و نیم. و رسوم دفعه موافق زمان گیتیستان.

از بابت پیشکش از قرار تومانی یک هزار دینار، منها بیست دینار رسد مشرف، باقی رسد امیر آخورباشی و تحویلدار و عمده هشتاد دینار.

از بابت آنچه مواجب دهند در وجه امیر آخورباشی و عمده یک هزار دینار پنجاه دینا باقی منها رسد مشرف ده دینار چهل دینار.

دفعه که مشرف نوشته اند:

از پیشکش راس سی هزار دینار.

و از انعام راس پنجهزار دینار در اصطبل بازیافت.

و آنچه جمع شود یکک تومان بر این وجه تقسیم می شود :

امیر آخور باشی سه هزار دینار .

صاحب جمع سه هزار دینار .

مشرف دو هزار دینار .

جلوداران یک هزار دینار .

مهتران بلوکات خاصه و انبار یک هزار دینار .

و در مجلس بهشت آیین سمت دست چپ پادشاه بعد از عالی جاه امیر شکار باشی

می نشیند .

فصل دوازدهم از باب دوم در بیان شغل عالی جاه مجلس نویس محفل بهشت آیین .

و شغل مشارالیه آنست که ارقامی که پادشاه بالمشافهه به لفظ گوهر بار خود فرموده باشد .

وارقامی که از قرار تعلیقه وزیر اعظم اعم از آنکه حسب الامر الاعلی باشد یا نباشد . و ارقامی

که به رساله مقربان و معتمدان درگاه معلی باشد ، محرران ارقام توابعین مجلس نویس

نوشته به طغرای مشارالیه ، و بعد از آن به مهر وزیر اعظم و به مهر آثار مزین می شد .

و به دفاتر می رسید .

وارقام مناصب عالی که بهر کس شفقت می شد از تعیین امراء و بیگلر بیگیان و حکام

وسلاطین ممالک محروسه و وزراء و مستوفیان درگاه معلی ، و محال خاصه و اقطاع و آنچه

متعلق به محال خاصه بود و تبول و همه ساله و تنخواه و وظایف هر کس که از سرکار خاصه

داده می شد ، و ارقام مناصب متعلقه به سرکار خاصه که به مسوده دفتری نگارندگان ارقام

می نویسند ، بعد از ثبت دفاتر به طغرای عالی جاه مشارالیه می رسد .

و طغرا کشیدن ارقام به قلم سیاهی و اختیار القاب هر کس در ارقام مختص واقعه

نویس است ، و به دیگری نسبت ندارد .

و عالی جاه مزبور از جمله امراء جانی و نوشتن خلاصه جانی امراء و رای هر یک

از ایشان و رای خود مختص مشارالیه است و به دیگری نسبت ندارد .

و همیشه از جمله محارم مجالس خاص و عام بوده و خلاصجات و نوشتجات را به نظر آفتاب اثر می‌رسانیده . و عرایض و فصول امراء و حکام که از مالک محروسه به پایه سریر اعلی فرستاده شود پادشاه همگی را نزد مجلس نویس می‌فرستند که در خدمت اقدس فصول و عرایض را خوانده بدانچه حسب الامر اعلی مقرر گردد جواب آن را در تحت همان فصل اسم به اسم و مطلب به مطلب به خط خود قلمی و در سر رشته خود ثبت می‌نماید . و آنچه را باید رقم صادر شود از قرار یادداشت به مسوده واقعه نویس رقم نویسان رقم می‌نویسند . و نیز حسب الامر اعلی مرخص بود که عرض و ظایف و مدد معاش و غیره [و] مطالب لازمه ضروریه و آنچه باعث تحصیل دعای خیر جهت ذات اقدس و وجود مقدس باشد به جهت [طلاب] علوم و ارباب استحقاق به خدمت اقدس عرض و استدعاء کند . بعد از آنکه پذیرفته تعلیقه به قید حسب الامر اعلی نوشته بعد از رقم عالی جاه وزیر دیوان اعلی آنچه از خاصه بود و آنچه از دیون و محال غیر خاصه بود منشی الممالک بعضی را به مسوده دفتری و بعضی را خود قلمی می‌نمودند .

و سیصد تومان به صیغه مقررری و مدد معاش :

اولاً از وجوهات جزیه الیهود کاشان ،

و ثانی الحال از وجوهات دشتسر و بار فروش مازندران بهشت نشان :

در وجه او مقرر بود .

و قیمت سی دستچه کاغذ دولت آبادی به جهت تحریر ارقام هر ساله از وجوهات محال

ضبطی وزیر اصفهان به انعام او مقرر بود .

و عالی جاه مشارالیه در مجلس بهشت آیین سمت دست چپ بعد از عالی جاه

امیر آخورباشی جلو می‌نشست .

بقیه در شماره آینده